

مرکز بررسی‌ها و مطالعات راهبردی - نکته روز شماره ۱۷ - هفتم مهر ۹۳

نگرش صحیح به سرمایه‌گذاری؛ اشتغال یا تولید؟!

احمد اخوی

توضیح اجمالی:

سرمایه‌گذاری تبدیل دارایی‌های نقد شونده و تسهیلات بانکی به ماشین‌آلات و تجهیزات و ساختمان از یک سو و تامین سرمایه در گردش برای تکمیل چرخه تولید و فروش از سوی دیگر است. سرمایه‌گذاری خصوصی در صورتی انجام می‌شود که نرخ بازدهی آن با توجه به زمان بازگشت سرمایه و ریسک و نا اطمینانی‌های موجود (بازدهی خالص) نسبت به سایر سرمایه‌گذاری‌ها و از جمله سپرده‌گذاری در مؤسسات مالی و بانکی بالاتر باشد. این حساسیت البته در صورت امکان استفاده از منابع مالی و بانکی رانتهی، کمتر است و خطر ورشکستگی‌ها بیشتر! در مورد سرمایه‌گذاری از منابع دولتی خطر افزون‌تر است، به طوری که شکست طرح بنگاه‌های زود بازده باید درس عبرتی برای وزارت‌خانه‌های کار و صنایع و معادن باشد.

شایان ذکر است، نقش سرمایه‌گذاری در اقتصاد، تخصیص بهینه منابع به فعالیت‌های تولیدی و قبل از آن استفاده از ظرفیت‌های تولیدی بلا استفاده ولی دارای مزیت رقابتی بالقوه است. به طوری که با حمایت موقت و مشروط، بنگاه و صنعت قادر به ایستادگی و رقابت صادراتی می‌شود. نقش سرمایه‌گذاری دستگیری از وا افتادگان و ایجاد اشتغال و درآمد علی‌رغم فقدان توجیه تولیدی نیست. به این ترتیب، تامین منابع با هدف ایجاد اشتغال مستقیم و سریع در واقع نوعی دمیدن از سر گشاد سرنا است. اشتغال مؤثر و پایدار در مسیر توسعه پایدار نتیجه سرمایه‌گذاری و توسعه فعالیت‌های تولیدی رقابتی است که مسیر گزینش و تصمیم‌سازی آن جز مسیر کسب و کار آزاد و غیر دولتی نیست. دولت ممکن است در صنایع مادر و زیربنایی بتواند در بلند مدت به مزیت رقابتی برسد، اما در صنایع کوچک و متوسط بطور مسلم چنین نیست. نگاهی به آمار ورشکستگی‌های صنایع و سرنوشت شوم بسیاری از بنگاه‌های زود بازده شاهدهی حی و حاضر بر این ماجراست. به طور مثال، با اینکه ایجاد یک کسب و کار جدید در ایران فقط ۱۳ روز وقت می‌گیرد، در حالی که این رقم برای هند ۷۴ روز،

برای عربستان ۲۱ روز و برای اسپانیا ۲۸ روز است، با این حال زمان تجدید قوا و رفع مشکل مالی و اقتصادی یک بنگاه در ایران ۴/۵ سال است که از میانگین جهانی ۲/۸ سال و ارقام ۲ و ۱/۹ سال به ترتیب برای افغانستان و ارمنستان بسیار بالاتر است و لذا فرار سرمایه‌های رقابت مدار حتی به کشورهای آسیای میانه نیز منطقی به نظر می‌رسد.

نکات کلیدی:

۱. اگر نهادهای مسئول به کمک اقتصاد سیاست زده - یعنی اقتصادی که به ابزار سیاسیون برای مقاصد و تعهداتشان تبدیل شده است - نیایند وابستگی به نفت چه تحت نام اشتغال و چه تحت نام یارانه تعمیق می‌یابد. نتیجه مستقیم این نگرش ادامه رکود تورمی و ناتوانمندی در رقابت تولیدی است.
۲. اگر مشخصه بنگاه‌های رقابتی رشد همزمان سهم آنها از تولید و صادرات کشور باشد، می‌توان حمایت از این بنگاه‌ها را به حمایت همزمان از صنایع کوچک و متوسط مرتبط با زنجیره تولید و بازاریابی آنها مشروط کرد.
۳. در شرایط تورم +۴ درصدی و کلاً تورم‌های دو رقمی ارائه تسهیلات با نرخ ۴ درصد اگر هدف بر ایجاد اشتغال دائم و مزیت‌های تولیدی قرار گیرد منطقی نیست و امکان سوء استفاده مالی در آن، تحت هر شرایط و علی‌رغم هرگونه تمهیدات اجرایی وجود دارد.
۴. لازم است نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی بیش از آنچه نگران اشتغال جوانان محل نمایندگی خود یا کل اقتصاد و رفع فوری و مستقیم آن باشند، درصدد توسعه تولیدات اقتصادی و صادرات آنها برآمده و در رفع موانع مقرراتی و نهادی مزاحم تولید، به آنها کمک نمایند.
۵. لازم است انواع حمایت‌های دولت از صنایع کوچک و متوسط به‌طور همگن سیاست‌گذاری و به‌طور هماهنگ اجرا شوند و تشویق‌ها و جوایز دولت تنها پس از سرمایه‌گذاری، با هدف توسعه تولید و اشتغال مولد پرداخت شود و مبلغ آن تابع ضریبی از رشد تولید و صادرات باشد.